

مطالعه تطبیقی نقش معصومین علیهم السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در

رسیدن به تمدن اسلامی

محمود شریعتی پور¹ محمد جعفری هرنندی² سیده فاطمه حسینی میرصفی³

¹ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
mahmoodshariatipoor@gmail.com.

² استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
harandi-lawyer@yahoo.com.

³ استادیار گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
mirsafy@yahoo.com. harandi-lawyer@yahoo.com. نویسنده مسئول:

تاریخ دریافت: 1404/02/22 تاریخ پذیرش: 1404/07/16

چکیده

با توجه به تاریخچه ایجاد یک نظام اسلامی متمدن، بررسی جوانب مختلف تأثیرگذاری عوامل مختلف بر شکل‌گیری تمدن اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به شناخت مسیرهای منتهی به آن کمک نماید. در این ارتباط، با توجه به نقش معصومین علیه السلام به عنوان یک مرجع مهم شیعی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط مقام معظم رهبری اعلام گردید، تلاش شد تا به مطالعه تطبیقی نقش معصومین علیهم السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی پرداخته شود. با روش پژوهش توصیفی تحلیلی و مرور منابع کتابخانه‌ای مشخص شد که استقلال سیاسی و توجه به مردم؛ معنویت و اخلاق؛ علم و آموزش؛ و عدالت و مبارزه با فساد؛ مناسب‌ترین مسیرها جهت طی کردن راه تمدن نوین اسلامی است که در سیره معصومین علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بدان‌ها تأکید ویژه‌ای شده است. این دو سند معتبر را می‌توان میراث عظیم علمی و فرهنگی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در نظر گرفت. تأکید بر این مؤلفه‌ها، فرآیند اسلامی سازی و رشد فرهنگ غنی آن در سراسر جهان را تسهیل می‌کند، و جامعه گمراه را به جامعه‌ای اسلامی تبدیل می‌کند. در این مسیر، رفع چالش‌ها می‌تواند به تدوین الگویی مطلوب برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی کمک نماید.

کلیدواژه: معصومین؛ بیانیه گام دوم؛ تمدن اسلامی؛ معنویت؛ علم؛ عدالت.

1- مقدمه

تمدن‌های اصلی دنیای قدیم به‌طور معمول قرن‌ها قبل از آغاز این دوران شکل گرفتند. در این بین، تمدن اسلامی به این دلیل که بیش از یک هزار سال بعد ظهور کرد، از همتایان خود متمایز است. قلمرو تمدن اسلامی را می‌توان در اطراف اقیانوس هند، بیشتر مناطق اوراسیا، و در مجموع فارغ از محدوده شبه‌جزیره عربستان جستجو نمود (کوک¹، 2015: 3). اگر به تاریخ نگاه کنیم، تمدن اسلامی طی سه دوره به اوج و افول خود رسیده است². اوج تمدن اسلامی (750-1258) با ظهور تعدادی از دانشمندان مسلمان مشخص شد که آشکارا افکار و تمدن‌هایی را از یونان، ایران و هند به عاریت گرفتند و به‌نوبه خود آثار بسیاری در زمینه‌های علمی به وجود آوردند (رازک و حنیف³، 2021: 39). در اوج این تمدن، دانشمندان متعددی به دنیا آمدند که مرجع جهانی شدند. پس از فروپاشی خلافت عباسی در اثر حملات ارتش مغول، چالش‌هایی در قالب قدرت مادی، افکار بیگانه و احساس مدرنیته به ضعف تمدن اسلامی کمک نمود (پولونگان⁴، 2024: 39). دوران شکوفایی تمدن اسلامی، عصر جهانی شدن است که مدت‌ها قبل از ظهور عصر جهانی شدن غرب رخ کرد. زمانی که مسلمانان اسلام را به سرزمین‌های بیگانه آوردند، هیچ اجباری برای مردم آن کشورها برای پذیرش اسلام وجود نداشت. مسلمانان علاقه‌ای به غارت ثروت یا ظلم به مردم آن کشورها نداشتند و در عین حال از طریق مراجع مختلف به آموزه‌های اسلامی

¹ Cook

² برای مطالعه در این زمینه ر. ک: (Madjid, 2000; Abdiilah, 2021)

³ Razak & Haneef

⁴ Pulungan

دعوت می‌شدند (عبدیله⁵، 2022: 268). در این مسیر، بسیاری از عناصر همچون معصومین علیه الاسلام به شکوفایی عصر طلایی اسلام کمک کردند.

دستاوردهای تمدن اسلامی منبع غرور قابل توجهی در میان مسلمانان سراسر جهان بوده است. بسیاری از محققان بر این باورند که حتی امروزه نیز مسلمانان در انتظار تولد دوباره عصر طلایی خود و از طریق آن، تجدید حیات اسلام به‌عنوان یکی از تأثیرات فرهنگی و مذهبی تجدید شده جهان هستند. جایگاه جهان اسلام، اهمیت جهانی آن را نشان می‌دهد و حاکی از ارزش‌هایی دارد که می‌توان هم‌زمان در جامعه جهانی و به‌ویژه احیای تمدن نوین اسلامی به کاربرد. این مفهوم برای روشنفکران مسلمان بیگانه نیست، زیرا در قرآن کریم آمده است که خداوند انسان‌ها را از آدم و حوا آفرید و همه اقوام را برادر و خواهر دانست و سپس آن‌ها را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد (حجرات، 49: 13). علی‌رغم اینکه مطالعاتی در مورد شناسایی مسائل مرتبط با تمدن اسلامی و بازتاب آن در جهان اسلام صورت گرفته است. با این حال، همچنان فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و نقش عناصر مختلف در شکل‌گیری تمدن اسلامی جای کار دارد و پژوهشی که به‌صورت روشن و کامل نقش معصومین علیهم‌السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهد، مشاهده نشده است. می‌توان به پژوهش‌هایی همچون اکبری (1397) با عنوان چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راه کارهای آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی؛ جلیلی (1398) با عنوان الزامات و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب؛ ابراهیمی کیایی و بوذری نژاد (1400) با عنوان نقش آیت‌الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی با تکیه بر گام دوم انقلاب؛ صالحی وثیق و همکاران (1401) با عنوان نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو؛ جمالی (1402) با عنوان جایگاه و نقش امام در تحقق امت-تمدن اسلامی اشاره نمود که هر یک از زوایای مختلف به عوامل شکل‌گیری تمدن اسلامی و دلایل اوج‌گیری و ضعف آن توجه نموده‌اند. اما از آنجایی که امروزه بسیاری از مسلمانان تمایل دارند به دوران طلایی تمدن اسلامی و عظمت آن برگردند، نیاز است تا ابتدا شناخت مطلوبی از نقش عوامل و عناصر مختلف در شکل‌گیری آن حاصل نمود. تحلیل نقش عناصر مختلف در شکل‌گیری تمدن اسلامی از آن جهت حائز اهمیت است که خط سیر کنونی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است و لازمه تحقق این چشم‌انداز، تبیین ثنوریک آن است. از این رو، هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی نقش معصومین علیهم‌السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی است تا از این طریق بتوان راه‌حلی را پیشنهاد نمود که بتواند ضمن حل چالش‌های فراوان، به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی کمک نماید. نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در بررسی تطبیقی نقش معصومین علیهم‌السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در شکل‌گیری تمدن اسلامی دانست که از نظر بازه زمانی با یکدیگر متفاوت می‌باشند و در عین حال، مؤلفه‌هایی که از بیانیه گام دوم قابل برداشت می‌باشد، به‌صورت جداگانه بررسی نشده‌اند که به چه میزان با نقش معصومین در شکل‌گیری تمدن اسلامی مرتبط می‌باشند. از این رو، پاسخ به این مسئله، می‌تواند ضمن نشان دادن عناصر موفقیت تمدن اسلامی؛ به نشان دادن راه و افق احیای آن در عصر حاضر کمک نماید، و نشان‌دهنده مسیری برای مسئولان به‌عنوان مجری اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلان کشور باشد. در واقع، اهمیت انجام این پژوهش در آن است که با برجسته‌سازی اشتراکات راهبردی بین آموزه‌های دینی و بیانیه‌های انقلابی، به طراحی یک الگوی تمدنی مبتنی بر مبانی اسلامی کمک می‌کند. این مطالعه می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی فراهم آورد و مسیر عملیاتی‌سازی اهداف انقلاب اسلامی را شفاف‌تر سازد. همچنین، تبیین نقش الگوهای دینی و تاریخی در فرآیند تمدن‌سازی، موجب تقویت هویت دینی و ملی جامعه اسلامی خواهد شد.

2. مفهوم تمدن و تمدن اسلامی

تمدن از نظر فرناند⁶ (1995) از کلمه لاتین *civilis* گرفته شده که به معنای «مَدَن» (اقامت در مکان) می‌باشد و به همین مناسبت به شهر، مدینه گفته می‌شود (جوهری، 1410، ج 6: 210؛ ابن منظور، 1414، ج 13: 403). در طول سال‌ها از آن برای نشان دادن معانی مختلف استفاده شده است. در قرن هجدهم از این کلمه برای تشخیص رفتار استفاده می‌شد. بعداً، در زمان انقلاب فرانسه (اواخر دهه 1700 تا اوایل دهه 1800)، کلمه‌ای

⁵ Abdiilah

⁶ Fernand

که به بشریت اشاره می‌کند، توسط ساموئل⁷ (1996) کاربرد یافت. با نزدیک شدن به دوران مدرن، این کلمه گاهی به جای کلمه فرهنگ به کار رفته است. ویل دورانت نوشته است: «تمدن به شکل کلی آن عبارت است از نظم اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، 1367، ج 1: 3).

طبق فرهنگ لغت انگلیسی کمبریج⁸ (1998)، تمدن شامل جامعه انسانی با سازمان‌های اجتماعی توسعه یافته یا فرهنگ و شیوه زندگی یک جامعه یا کشور در یک دوره زمانی خاص است. تمدن به عنوان نقطه مقابل بربریت و هرج و مرج است. امروزه برخی از باستان شناسان و کاوشگران معتقدند نواحی ایران و بین‌النهرین، نخستین خاستگاه تمدن بشری بوده‌اند (دورانت، 1367، ج 1: 15). از قدیمی‌ترین تمدن‌های باستانی می‌توان به بین‌النهرین، مصر باستان و روم اشاره کرد.

همچون سایر تمدن‌های بشری، جهان اسلام نیز موظف است مانند اسلام و خود پیامبر اکرم (ص) روحی را در این جهان دمیده و فضای جدیدی ایجاد کند. از این پدیده با عنوان «تمدن اسلامی» یاد می‌شود که به معنای تسخیر سرزمین‌ها نیست. تمدن اسلامی، تمدن ملت‌هایی است که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند. این تمدن با هنر ایرانی، رومی و سایر جوامع ترکیب گردید و تمدن اسلامی را به وجود آورد (تاج‌بخش، 1381: 99). به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی و نه به تمدن خاصی تعلق دارد، بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق و گسترش آن نقش داشته‌اند را دربرمی‌گیرد (زرین کوب، 1376: 31).

شبه جزیره عربستان، عراق، فلسطین، سوریه و آسیای صغیر را می‌توان بدنه اصلی جهان اسلام، مشابه بدن عقاب دانست. آسیای صغیر سر و منقار آن است. قسمت جنوبی شبه جزیره دم آن است که باله‌ای آن کشیده شده است. جناح راست آن از ایران و ترکیه شروع می‌شود و شامل افغانستان و شبه قاره هند و پاکستان می‌شود و تا مالزی و اندونزی امتداد می‌یابد. جناح چپ آن کل شمال آفریقا را دربرمی‌گیرد. به گفته بسیاری از مورخان، تمدن اسلامی از قرن هفتم عصر مسیحیت آغاز می‌شود، زیرا پیامبر اسلام (ص) در سال 571 هجری قمری متولد شد و در سال 610 میلادی رسالت خود را آغاز کرد و صحیح‌ترین تخمین‌ها حاکی از آن است که پس از تحقق کامل اسلام در سراسر شبه جزیره عربستان در سال 632 هجری قمری، پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم به آفریدگار خود بازگشت، در این میان، پس از رحلت حضرت محمد (ص) تمدن اسلامی به شکوفایی ادامه داده است. تمدن و فرهنگ، مذهب، هنر، علوم و برتری تمدن اسلامی همچنان بر بخش بزرگی از جهان متمدن اعمال می‌شد (آشیمی⁹، 2016: 160).

3. ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایزکننده تمدن اسلامی

اسلام و پیروانش تمدنی ایجاد کرده بودند که بیش از هزار سال نقش بسیار مهمی در صحنه جهانی داشت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمدن اسلامی این است که تمدنی متوازن است که علم و ایمان را در کنار هم قرار داده و بین روح و ماده تعادل برقرار کرده و دنیا را از آخرت جدا ننمود. این همان چیزی است که تمدن اسلامی را از تمدن‌های دیگر متمایز می‌کند، چراکه سایر تمدن‌ها به جنبه‌های مادی زندگی، نیازهای جسمی و غرایز انسانی اهمیت اساسی می‌دهند و با تلاش برای ارضای آنی امیال نفسانی، بدون یافتن جایگاه مناسب، به این دنیا توجه بیشتری می‌کنند. درحالی‌که تمدن اسلامی، بشر را به خدا نزدیک کرد، زمین و آسمان را به هم پیوند زد، دنیا را تابع آخرت کرد، روح و ماده را به هم پیوند زد، بین عقل و قلب تعادل برقرار کرد و با بالا بردن اهمیت رشد اخلاقی، بین علم و ایمان پیوند ایجاد کرد (هالیلوویچ¹⁰، 2017: 64). به همین دلیل است که تمدن اسلامی سهم بسزایی در توسعه تمدن جهانی داشته است.

⁷ Samuel

⁸ Cambridge dictionary of English

⁹ Ashimi

¹⁰ Halilović

یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن اسلامی این است که روحیه عدالت‌خواهی، بی‌طرفی و بردباری را در بین مردم گسترش می‌دهد. نتیجه این شد که افراد با عقاید و دیدگاه‌های مختلف در امنیت، آرامش و احترام متقابل در کنار هم زندگی می‌کردند و مساجد در کنار کلیساها، صومعه‌ها و کنیسه‌ها در سرزمین‌هایی که توسط مسلمانان اداره می‌شد، قرار داشتند. این امر عمدتاً ناشی از اصول اسلام ناب است که بر اساس آن هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به تغییر دین و عقیده خود کرد. خداوند متعال می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین؛ حق از گمراهی آشکار می‌شود؛ هر کس بدی را انکار کند و به خدا ایمان آورد، به محکم‌ترین دستگیرهای چنگ زده است که نمی‌گشود، و خداوند همه‌چیز را می‌شنود و داناست» (بقره 256). یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد تمدن اسلامی، عقل‌گرایی معتدل است. یکی از زیبایی‌های اسلام که کمال حسن¹¹ (2011) به آن پرداخته است، دین اعتدال است. یعنی اسلام با هر نوع افراط‌گرایی در تمام ابعاد زندگی انسان مخالف است. در عوض مردم خود را به اعتدال دعوت می‌کند، به همین دلیل به عقل انسان جایگاه والایی می‌بخشد. چون ایمانش مبتنی بر استدلال و اعتقاد است، عقاید خرافی و بی‌اساس را رد می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن اسلامی، تأسیس مدارس و کتابخانه‌های متعدد بود. ادبیات و هنر شکوفا شد. بناهایی ساخته شد و هنر اسلامی با ویژگی‌های خاص خود پرورش یافت. تمدن اسلامی هم تمدنی معنوی و مادی، هم تمدنی آرمانی و عملی، هم الهی و انسانی، هم فردی و هم جمعی است. به عبارت دیگر، «تمدنی است متعادل و میانه که جامعه عادلانه بر آن بنا شده است» (القرضاوی¹²، 1997: 203). همان‌طور که خداوند متعال در قرآن، سوره بقره، آیه 145 می‌فرماید: «این‌گونه از شما امتی متعادل قرار دادیم». ویژگی دیگر آن است که بر اساس «توحید» شکل گرفته است. فاروقی¹³ (1992) استدلال می‌کند که تمدن مسلمانان اولین تمدن جهانی است که مبتنی بر وحدت‌گرایی (اطلاعت از خدا) است.

4. نقش معصومین (علیهم‌السلام) در ایجاد تمدن اسلامی

هر تمدنی مبتنی بر یک سلسله باورها و ارزش‌ها سامان می‌یابد و بی‌تردید ادیان نیز به دلیل دربرداشتن این باورها و ارزش‌ها می‌توانند در شکل‌گیری تمدن‌ها نقش داشته باشند. به جز عالمان دینی، پژوهندگان تاریخ تمدن همچون ویل دورانت و تئوین بی و حتی نظریه‌پردازان معاصر همچون ساموئل هانتینگتون هم به‌صراحت ادیان را ویژگی آشکار و پایه اصلی تمدن‌ها شمرده‌اند (هانتینگتون، 1380: 11). برخی از شرق‌شناسان همچون گلدزیهر معتقد است معارف دینی اسلام تنها مجموعه‌ای از امور اخلاقی است که جوهره مشترک دعوت همه انبیا را تشکیل می‌دهد و پیوندی بین این معارف و مدنیتی که در نتیجه اسلام میان پیروان این دین پدید آمد، دیده نمی‌شود. علامه طباطبایی با رد این نظریه استدلال می‌کند که نتیجه برآمده از مقدمات است و نشانه‌های بیرونی تمدن اسلامی، پیامد طبیعی دانش‌ها و آموزه‌هایی است که سازندگان این تمدن از اسلام فرا گرفته بودند و دینی که انسان را به‌سوی کمال حقیقی خود فرا نخواند، نمی‌تواند چنین دستاوردهایی داشته باشد. علامه بر این باور است که دین اسلام انبوهی از بندگان صالح، عالمان ربانی و اولیای مقرب را به ساختن یک اجتماع انسانی کمال‌یافته کشانید و همین امر که در آموزه‌های قرآنی ریشه دارد، گونه‌ای خاص از تمدن را رقم زده است (طباطبایی، 1417، ج 1: 359-361). یکی از منابع اصلی دریافت علوم، نقشی است که معصومین علیه‌السلام با اقدامات خود انجام داده‌اند. نقش معصومین به‌عنوان منبعی مهم در تداوم تمدن اسلامی حائز اهمیت است.

یکی از ویژگی‌هایی که ضرورت اقتدا به سیره معصومان (علیهم‌السلام) را نشان می‌دهد، عینی و نه ذهنی بودن این منبع و پاسخ‌گویی به جزئی‌ترین نیازهای بشری در زمینه‌های گوناگون است. یکی از ابعاد مهم شخصیت معصومان، ابعاد اجتماعی و سیاسی است. درواقع، جهانی بودن سیره معصومان عاملی مؤثر در بهره‌گیری از منابع مربوط به آن‌ها برای پاسخ‌گویی به نیاز جامعه اسلامی و تحقق تمدن اسلامی است. یکی از ویژگی‌هایی که سبب ضمانت اقتدا به سیره معصومان برای تحقق تمدن اسلامی گردید، جامعیت شخصیت آنان است، یکی از مسائلی که مقوم بهره‌گیری از سیره برای تغذیه جامعه و تحقق تمدن نوین اسلامی است، نفس ظرفیت الگوگیری آنان می‌باشد. بنابراین، سیره معصومان ظرفیت لازم برای بهره‌برداری و پایه‌ریزی شالوده تمدن نوین اسلامی را دارد (توحیدی نیا، 1396: 68). تمدن مطلوب از نظر معصومین (علیهم‌السلام) تمدن آرمان‌گرا، سعادت محور، عدالت ساز، دارای شئون زندگانی، نفی هرگونه ظلم، استبداد و ستم از جامعه، اجرای حدود الهی در جامعه انسانی - دوری

¹¹ Kamal Hasan

¹² Al-Qaradawi

¹³ Al-Faruqi

نمودن از سلطه ناروا و شیطانی بر مردم، احیای ارزش‌های انسانی الهی، پاسخگوی نیازمندی‌های همه ابعاد بشر، پدیدآوردن جامعه‌ای مناسب در جهت رشد و شکوفایی انسان است. معصومین پاسداران حریم ارزش‌ها و معنویت‌ها بوده‌اند که هدایت انسان را وجه جهاد مستمر خویش قرار داده و هم‌نوا با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به‌سوی کمالات و ارزش‌های متعالی هدایت کردند (سعیدی نژاد، 1397: 56).

آیاتی که سیمای پیشوایان نور، ویژگی‌های آن‌ها، نقش سازنده آنان را در افکندن طرح جامعه‌ها و تمدن‌های خردورز، دانش‌دوست، جامعه‌ای باز، آزاد، شایسته و درخور شأن انسان و شیوه و برنامه انسانی و رفتار و کردار آزادمنشانه آنان را ترسیم می‌کند^{۱۴} (کرمی، 1397: 15). به جرأت می‌توان گفت تلاش‌هایی که معصومین علیه‌السلام در شکوفایی عقلی انسان‌ها و رشد آنان کرده و سختی‌هایی که در این راه کشیده‌اند تا مردم جاهل و کوتاه‌فکر را به تعالی بخوانند، بسیار بالاست است (علی زاده سالطه، 1387: 105). تأکیدهای فراوانی که در روایات آن‌ها در مورد عقل و به‌کارگیری آن وجود دارد، برای نشان دادن هرچه بیشتر توجه آنان به تجلی حکومت اسلامی است. نقطه تحول بزرگ در جامعه بشری، تحولی است که بر اساس جهان‌بینی الهی اسلام، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی گردید. در رأس این حرکت، امامان معصوم به‌ویژه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قرار داشت، شخصیتی که نه تنها در طول دوران حیات خویش، بلکه در زمان حیات حضرت رسول (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نیز رتبه‌ای ممتاز داشت و در پایه‌گذاری علوم اسلامی نقش به‌سزایی ایفا نمود، فرزندان ایشان نیز به پیروی از وی، تداوم‌بخش این نهضت عظیم فرهنگ‌ساز بودند. نقش سیره نبوی در ترسیم یک مسیر واحد الهی برای امت اسلامی، نشان‌دهنده نقش اصلی آن‌ها در تقویت جنبه‌های کیفی تمدن اسلامی می‌باشد، و نقش‌ها و اقدام‌های علمی، آموزشی و تمدنی امامان شیعه در طول قرون تداوم داشته است (جمشیدی راد و ادیب بهروز، 1398: 103). اگر حکومت اسلامی به اصول مدنظر معصومان علیه‌السلام پایبند باشد و سیاست خود را مبتنی بر عدالت نماید، تمدن نوین اسلامی نه تنها شکل خواهد گرفت، بلکه بالنده و تداوم نیز خواهد یافت.

5. گام دوم انقلاب اسلامی: بررسی جهان‌بینی مقام معظم رهبری

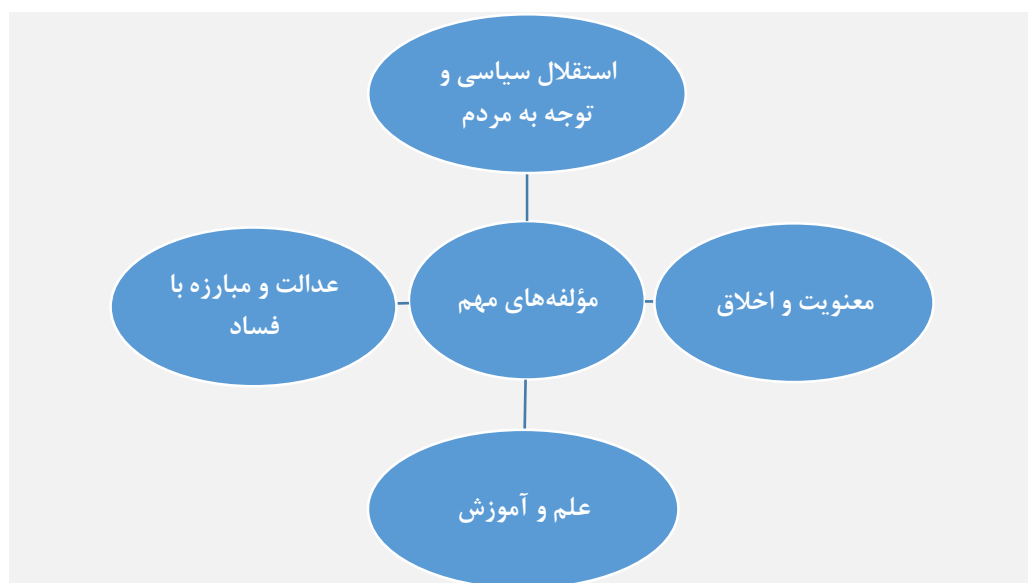
تمدن سازی اسلامی از مؤلفه‌هایی است که در سال‌های اخیر به‌موازات تهاجم فرهنگ غربی و اشاعه گفتمان نظم نوین جهانی و تمدن جهانی بنا بر ضرورت حصول پیشرفت گفتمان انقلاب اسلامی توسط آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران به‌کاررفته است. بنابراین، یکی از منابع موجود که می‌توان با مراجعه بدان، به بیان چالش‌ها و فرصت‌ها پرداخت، نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب (1397/11/22) صادر شده است. ایشان در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» توصیه‌هایی را ارائه نموده است. بنابراین یکی از مسائل مهم در مطالعات تمدنی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی انقلاب اسلامی جهت حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است. چالش‌هایی که عدم پاسخ به آن‌ها مانع تکمیل تصویر تمدنی انقلاب اسلامی است و فرصت‌هایی که می‌توانند موجب دستیابی سریع به تمدن نوین اسلامی شوند.

مقام معظم رهبری به‌عنوان بخشی از تلاش خود برای ادامه انقلاب اسلامی و رسیدگی به چالش‌های داخلی و خارجی، در حال افزایش برجستگی ایدئولوژی در نهادهای مختلف کشور است. تلاش‌هایی که تأثیرات قابل توجهی بر روابط ایران با دیگر کشورها داشته است. یکی از اقدامات اخیر مقام معظم رهبری، ابتکاری برای افزایش تلقین ایدئولوژیک به نسل جوان است. این تلاش راهبردی، «گام دوم انقلاب»، بخشی از چشم‌انداز پنج مرحله‌ای است که با انقلاب ۱۳۵۷ آغاز شد و با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به رهبری ایران به پایان می‌رسد. ایشان گام دوم را کمک نسلی خود به آرمان انقلابی می‌داند.

او دگرگونی نظم جهانی و نابودی پارادایم دولت‌های غربی را از طریق فرآیندی پنج مرحله‌ای در نظر می‌گیرد (علی خامنه‌ای، «ابتدای گام دوم انقلاب»، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷). گام دوم تا حدی به دنبال رفع نگرانی‌هایی است که مقام معظم رهبری و بسیاری از مسئولان مکرراً بیان می‌کنند: آرمان‌های انقلابی که آن‌ها زندگی خود را وقف آن کرده‌اند در نسل جوان‌تری که نه پیروزی انقلاب و نه شکل‌گیری ایران را تجربه کرده‌اند، فرسایش

^{۱۴} { بقره: 143، 247، 266؛ آل عمران: 159؛ نساء: 58؛ اعراف: 157؛ ابراهیم: 1؛ مزمل: 5-10؛ انشراح: 1-4؛ علق: 1؛ طه: 7؛ ص: 86؛ احقاف: 35؛ هود: 112-113؛ توبه: 128-129}.

یا حتی ناپدید خواهند شد (خبرگزاری میزان¹⁵، 8 اکتبر 2019). ایشان استدلال می‌کند که مشکلات امروز جمهوری اسلامی از روحیه انقلابی ناکافی در نسل‌های جوان ایران سرچشمه می‌گیرد، و به این معناست که ایرانیان امروز با همان غیرت انقلابی برای مقابله با چالش خود قیام نمی‌کنند که نسل اول انقلاب با تهاجم عراق مقابله کردند (خامنه‌ای، «ابتدای گام دوم انقلاب»: مربوط به مرحله دوم انقلاب). گام دوم انقلاب اسلامی با تقویت این ایده که دلیل وجودی جمهوری اسلامی جایگزینی تمدن غربی با تمدن اسلامی است، شاخصه‌هایی را تعیین کرده تا زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم نماید. درواقع، هدف نهایی انقلاب اسلامی، «احیای تمدن اسلامی» است که توازن قوا را در جهان تغییر دهد. در ادامه مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی که از مطالعه این بیانیه کسب‌شده است، قابل مشاهده می‌باشد:



شکل 1: مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی

6. نگاهی به مؤلفه‌های گام دوم انقلاب با تأکید بر نقش معصومین در رسیدن به تمدن اسلامی

جهانی بودن سیره معصومان (علیهم‌السلام) عاملی مؤثر برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه اسلامی در موقعیت گوناگون و برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. یکی از ویژگی‌هایی که سبب ضمانت اقتدا به سیره معصومان (علیهم‌السلام) برای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌شود، جامعیت شخصیت و ظرفیت الگوگیری آنان می‌باشد. در روند تحقق تمدن نوین اسلامی، انسان به‌عنوان عامل سازنده تمدن، از آنجاکه با تکیه بر توانایی‌های جسمی و ذهنی خود نمی‌تواند به اهداف موردنظر دست یابد، باید برای تبدیل شدن به انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، مورد تعلیم و تربیت الهی قرار گیرد. سیره معصوم (علیه‌السلام) از ظرفیت لازم برای بهره‌برداری و پایه‌ریزی شالوده تمدن نوین اسلامی برخوردارند (توحیدی نیا، 1396). امری که با نگاهی به مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی نیز می‌توان بدان دست‌یافت. در این بخش، با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب و نقش معصومین در ایجاد تمدن اسلامی، نگاهی به مقایسه‌ای به این مؤلفه‌ها انداخته شده است:

1. استقلال سیاسی و توجه به مردم

وظیفه اصلی معصوم شیعه، تداوم مسیر الهی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در معرفی اسلام ناب و راستین به جامعه عصر خویش بوده است و در این میان، حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) در تقویت جنبه‌های کیفی تمدن اسلامی نقش سرنوشت‌ساز داشتند. ایشان پس از رحلت پدر بزرگوارشان، در ترسیم مسیر واحد الهی برای امت اسلامی و دور کردن آن‌ها از پراکندگی، گام‌های ارزشمندی برداشتند؛ به‌طوری‌که اگر تلاش‌های

¹⁵ «انتقال آموزه‌های دفاع مقدس وظیفه بزرگی در ابتدایی گام دوم انقلاب است».

این بانوی بزرگوار نبود، زمینه برای ادامه مسیر رسالت، توسط امامان معصوم (علیهم‌السلام) فراهم نمی‌شد. مجاهدت‌های حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) پس از رحلت پدر بزرگوارشان، در ترسیم یک مسیر واحد الهی برای امت اسلامی و دور کردن آن‌ها از چندگانگی نشان‌دهنده نقش اصلی و مهم حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در تقویت جنبه‌های کیفی تمدن اسلامی می‌باشد و تأکید می‌شود، اگر تلاش‌های این بانوی بزرگوار نبود، زمینه برای ادامه این مسیر توسط ائمه (علیهم‌السلام) فراهم نمی‌شد و اقدام‌های علمی امامان شیعه در طول سه قرن پس از ایشان، همه مرهون حرکت حضرت فاطمه است (دلپزیر، 1396: 58). حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) نقش بی‌بدیل زن در تمدن سازی را عینیت بخشید، و به‌عنوان یک انسان کامل از حق امامت و ولایت دفاع کرد، زنان با الگو قرار دادن ایشان و حفظ بنیان خانواده توانستند در ساخت جامعه تمدن ساز تأثیر بسزایی داشته باشند. بنابراین ایشان منشأ حرکت جامعه مسلمین به‌سوی حق و حقیقت است.

امام حسین (علیه‌السلام) با یزید بیعت نکرد و حاضر به تسلیم ذلت‌بار هم نشد، چراکه مشروعیت دادن به حاکمیت یزید، ب معنای پایان تمدن اسلام و همه ارزش‌های متعالی بود. خلوت حسین بن علی (علیه‌السلام) و یارانش با خداوند سبحان و سخنان حماسی او و یارانش در لحظه کارزار و شهادت، روح شهادت و شجاعت را در کالبد همه آزادمردان تاریخ زنده کرد و تأثیری ژرف بر تاریخ و تمدن اسلامی، حتی تمدن‌های دیگر نهاد (ابراهیم‌زاده، 1384: 22). اگرچه قیام عاشورا و حماسه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه‌السلام) و یاران پاک‌باز ایشان، یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین ابعاد بنیادین تمدن اسلامی محسوب می‌شود که این تمدن را بر پایه‌های آزادگی و عزت و شهادت‌طلبی و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اجتماعی و سیاسی استوار می‌سازد.

امام سجاد (علیه‌السلام) در امر تربیتی از دامان پرمهر و محبت سه امام معصوم یعنی پدر بزرگشان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، عمویشان امام حسن (علیه‌السلام) و پدرشان امام حسین (علیه‌السلام) بهره‌مند شدند؛ باین‌حال چند روزی بیشتر از تولد ایشان نگذشته بود که مادر بزرگوارشان حضرت شهربانو (سلام‌الله‌علیها) را از دست دادند. اگر نقش خطیر ایشان که وظیفه حراست از زلال اندیشه و صلابت ایمان را بر عهده داشت، نبود مشخص و معلوم نبود سرنوشت شریعت پیامبر خاتم به کجا ختم می‌شد. ایشان تمدن اسلامی را که در معرض فروپاشی بود، نجات داد.

در چنین شرایطی نجات هویت اسلامی مستلزم برنامه‌ریزی درازمدت بود تا شرایط مناسب را برای احیای تمامی ارزش‌ها، اهداف و شریعت اسلام به نحو بنیادین فراهم کند، آرمان‌هایی که دستاورد اسلام محمدی (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) بود و با خلافت صالح امکان تجلی می‌یافت. صحیفه سجادیه با عنایت به اوضاع فرهنگی و سیاسی جهان اسلام در آن مقطع با تأکید بر نیایش و دعا ایراد شده، چه آن‌که آن زمان بخش قابل‌توجهی از مسلمانان در مادیات و ثروت و دنیاطلبی گرفتار شده بودند و حضرت در این میان راه درست را با دعا و مناجات و تأکید بر معنویت‌گرایی اصیل به مردم نشان می‌دادند و نیز کتاب شریف «رساله حقوق» به‌خوبی بستر شکوفایی هرچه بیشتر تمدن اسلامی در زمان امام باقر (علیه‌السلام) و امام صادق (علیه‌السلام) را فراهم ساختند، و خط کلی و اساسی تمدن اسلامی را شکل دادند (میر حسینی، 1382: 57). امری که با جستجو در بیانیه گام دوم انقلاب و شاخصه‌های آن نیز قابل‌مشاهده است. در این بیانیه، بر استقلال در تمام حوزه‌ها و نقش مردم تأکید شده است. انقلاب اسلامی ملت ایران، با صداقت و صراحت و اقتدار، در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است. روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری است و همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، می‌توانند آن‌ها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

2. معنویت و اخلاق

تمدن اسلامی، تحول و توسعه‌ای با رویکرد و جهت‌گیری معنوی است که بر تحول درونی و روانی انسان و آنگاه تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استوار است. در این چارچوب، سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) را می‌توان گفت نقطه آغاز تحولی بزرگ در جامعه بشری دانست، تحولی که بر اساس جهان‌بینی الهی اسلام، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ و تمدنی گردید که به نام فرهنگ و تمدن اسلامی شناخته می‌شود. رسالت و مسئولیت پیامبران الهی، به‌ویژه حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم)، زدودن کفر و نفاق و جور و غضب، و جایگزینی ایمان

و صداقت است تا با برچیدن حاکمیت ظالمان و غاصبان، زیست سالم و طبیعی جایگزین زندگی ناسالم شود و در پرتو آن، کمال خواهی و حقیقت‌جویی در جامعه نهادینه گردد.

تأثیر سیره نبوی در علم، تشویق در علم و سفارش به علم در سیره علمی و عملی پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نمایان است آن حضرت به جمع‌های علمی بر جمع‌های دیگر برتری می‌دادند. روایت است که ایشان در مسجد خود بر دو مجلس گذشت، فرمود: «هر دو خوب است و یکی بهتر است؛ چراکه آنان دعا می‌کنند و خدا را می‌خوانند، اگر بخواهد بر ایشان عطا می‌کند و اگر بخواهد منع می‌کند؛ اما اینان علم دین می‌آموزند و به جاهل می‌آموزانند» (حکیمی، 1380، ج 1: 63).

توجه به معیارهایی که ایشان برای حکومتش ترسیم کرده بود، نشان می‌دهد رویکرد امام علی (علیه‌السلام) رویکردی تمدن ساز بود و هر یک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است (حسینی مرعشی شوشتری، 1409، ج 577). یک اتفاق جالبی که در عصر امام رضا (علیه‌السلام) رخ داد، گرایش حداکثری اهل سنت به سوی محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) بود. یعنی همان امتی که تحت حکومت ظالمانه بنی‌امیه، اهل عترت را خارجی قلمداد می‌کردند، در این دوره جزو محبان این خاندان مطهر شدند. امام رضا (علیه‌السلام) هم اصل توحید را عمیقاً روشن کردند و هم رابطه امامت و توحید را مشخص نمودند که حدیث سلسله‌الذهب یکی از معروف‌ترین و درعین‌حال، تأثیرگذارترین احادیث حضرت رضا (علیه‌السلام) در باب توحید است. باید توجه داشت که بنیادهای تمدن اسلامی و مرز میان تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها را همین رویکرد توحیدی می‌سازد و یکی از مهم‌ترین آثار امام رضا (علیه‌السلام)، تبیین ژرف ابعاد این رویکرد توحیدی و اتصال آن به عنصر امامت است. امام رضا (علیه‌السلام) با انجام مسافرت‌هایی به مراکز پخش اندیشه‌های انحرافی از قبیل بصره و کوفه و انجام مناظره با آن‌ها، تأثیری مهم در نگرش صحیح مسلمین به مسائل دینی و علمی گذاشت (مرتضوی، 1375: 30-28).

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در پیشبرد تمدن اسلامی نقش ایفا نموده و زمینه جهت آمادگی همگان در دوران غیبت فراهم کردند، امام عسکری (علیه‌السلام) به حکم شرایط نامساعد و محدودیت بسیار شدیدی که حکومت عباسی برقرار کرده بود، موفق به گسترش دانش دامنه‌دار خود در سطح کلّ جامعه نشد، ولی درعین‌حال با همان فشار و خفقان، شاگردانی تربیت کرد که هرکدام در نشر و گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر داشتند (ابن‌طاووس، 1393: 54). امری که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بدان اشاره شده است.

گام دوم انقلاب، جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی است. جهاد منحصر به دین اسلام نیست، بلکه جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوتیان و دنیاپرستان در رأس برنامه همه پیامبران بوده است. در سوره‌های بسیاری از قرآن، از جمله بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نحل، حج، نمل، احزاب، شوری، محمد، فتح، حدید، حشر، ممتحنه و صف، آیات بسیاری در رابطه با جهاد نازل شده است. در سوره بقره، آیه 218 می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است). امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خصوص جهاد فرموده‌اند: «اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (از خدا بترسید و با مال و جان و زبان خود در راه خدا مجاهدت نمائید) (نهج‌البلاغه، نامه 47). پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز می‌فرمایند: «إِنَّ صَبْرَ الْمُسْلِمِ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْجِهَادِ يَوْمًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ (یک روز استقامت و پایداری مسلمان در اماکن جهان، برای او از چهل سال عبادت بهتر و والاتر است) (نوری طبرسی، 1369، ج 11: 21). معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه بوده و یکی از شاخص‌های ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

3. علم و آموزش

رویکرد امام علی رویکردی تمدن ساز بود و هر یک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است. شخصیت تمدن ساز ایشان پرورش‌یافته دامن پیامبر و شاگرد برجسته مکتب رسالت (مجلسی، 1403، ج 40: 127)، از چنان مرتبه علمی بهره‌مند است که

گستره علم ایشان قابل احصاء نیست (حسینی مرعشی شوشتری، 1419، ج 7: 577؛ موسوی هندی، 1404، ج 5 و 6). امام علی (علیه السلام) با رویکرد علمی خود و تربیت شاگردانی چون ابوالأسود دؤلی، علی بن ابی رافع، عبیدالله بن ابی رافع، سلمان فارسی و حارث همدانی، کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرده و مکتب علمی کوفه را بنا نهادند (خطیب بغدادی، 1349، ج 13: 334).

نقش اساسی حضرت در تمدن اسلامی، تقویت مؤلفه‌های تمدن ساز فرهنگ اسلامی است. فعالیت فرهنگی امام حسن (علیه السلام) با تربیت و آموزش نیروهای کارآمد و مبارزه با بدعت‌های معاویه مانند: جعل حدیث، تجویز معاملات ربوی و علنی کردن منکرات آغاز گردید. ایشان در گفتار و رفتار و در سفر و حضر و حتی در خانه خدا، نقش هدایتگری خود را ایفا می‌نمود. در قالب سخنرانی‌ها، احتجاجات، جواب دادن به معترضان و مکاتبه با یاران و دیگران، به آگاهی و ارشاد مردم پرداخته و با بیان مسائل در قالب‌های گوناگون به تبیین اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پرداخت. نقش صلح امام حسن (علیه السلام) در رشد فرهنگ و تمدن اسلامی مؤثر بود، عناصر ضروری و تمدن ساز علاوه بر صلح و امنیت عمومی، انسان‌ها هستند، وجود هر انسانی، خصوصاً نخبگان در ساختار تمدن‌ها بسیار مهم است. نقش صلح آن حضرت به آن حضرت تحمیل شد، می‌توان پی برد که صلح امام حسن (علیه السلام) چه میزان در تأسیس تمدن اسلامی نقش داشته، حفظ جان هزاران مسلمان که بعدها از میان آنان و از نسل آنان صدها دانشمند و نخبه برخاستند که اساسی‌ترین عنصر تمدن ساز، وجود نخبگان است (اندیشه، 1397: 4).

امام حسین (علیه السلام) برای بازگرداندن جامعه به سوی ارزش‌های متعال «مدینه النبی» باید قیام می‌کرد. قیام ایشان برای نجات تمدن اسلامی از انحطاط بود. شاخصه‌های قیام ایشان، اصلاح ارزش‌ها بود (ابراهیم‌زاده، 1384: 22). از مهم‌ترین عناصر شکوفایی تمدن اسلامی، تلاش‌های علمی و تربیت نسلی عالم برای حفظ و رونق تمدن اسلامی می‌باشد؛ اگر تلاش‌های علمی ائمه به‌ویژه امام باقر (علیه السلام) از بعد علمی تمدن اسلامی جدا شود، قطعاً این تمدن با چالش بزرگی مواجه می‌گردد؛ ابعاد تأثیرگذاری اهل بیت در شکوفایی تمدن اسلامی قابل توجه است؛ یکی از این وجوه مهم و کارکرد مهم آن در راستای حفظ تمدن اسلامی، تربیت شاگردان و ترویج‌دهندگان و حافظان و میراث داران این علوم می‌باشد؛ امام باقر (علیه السلام) در این زمینه تلاش‌های سترگ و قابل توجهی داشت (نعمان، 1346، ج 2: 261).

عصر امام کاظم (علیه السلام) دوران سختی برای پیروان و شیعیان ایشان بود و هرازگاهی حرکت‌های اعتراض‌آمیز متعددی از ناحیه شیعیان و علویان نسبت به خلفای عباسی صورت گرفت که از مهم‌ترین آن‌ها قیام حسین بن علی، «شهید فخر» در زمان حکومت هادی عباسی و نیز جنبش مسیحی را در بین فرزندان عبدالله بود که در زمان هارون رخ داد. درواقع مهم‌ترین رقیب عباسیان، علویان بودند و طبیعی بود که حکومت آنان را سخت تحت نظارت آن‌ها بگیرد (جعفریان، 1379: 385).

عدم پیروزی نهضت فخر حادته بسیار سختی بود که دل پیروان و شیعیان و خاندان عصمت و طهارت را به درد آورد. این فاجعه به‌طوری دلخراش بود که سال‌ها بعد امام جواد (علیه السلام) فرمود: «پس از فاجعه کربلا هیچ فاجعه‌ای برای ما بزرگ‌تر از فاجعه فخر نبود» (مجلسی، 1403، ج 4: 165). بنیادهای تمدن اسلامی و مرز میان تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها را، رویکرد توحیدی می‌سازد و یکی از مهم‌ترین آثار امام رضا (علیه السلام)، تبیین ژرف ابعاد این رویکرد توحیدی و اتصال آن به عنصر امامت است. رویکرد جامعه ایشان به توسعه علمی کمک کرد. محافل علمی توسط دانشمندان و اصل حضور آن‌ها در محیط جامعه اسلامی، خود موجب تشویق و ترغیب اهل علم، و عامل مؤثر در تمدن اسلامی گردید. امام رضا (علیه السلام) با انجام مسافرت‌هایی به مراکز پخش اندیشه‌های انحرافی مناظره با آن‌ها، تأثیری مهم در نگرش صحیح مسلمین به مسائل دینی و علمی گذاشت (مرتضوی، 1375: 28-30).

سلاح امام حسن عسکری (علیه السلام) برای فرهنگ‌سازی مکتب شیعه در جامعه مفاهیم و معارف اسلام بود. بنابراین می‌توان گفت ایشان از طریق اخلاق، مناظره و گفت‌وگو مباحثات علمی، معجزات و گره‌گشایی از آمورات مردم نقش مهمی در فرهنگ‌سازی مکتب تشیع داشتند (ابن طاووس، 1393: 54). امری که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بدان اشاره شده است. بیانیه گام دوم بر پیشرفت در عرصه علم، فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، عمرانی، اقتصادی و فناوری تأکید دارد. خط انقلاب اسلامی خط توقف نیست و مسیر پیشرفت برای انقلاب اسلامی تا بی‌نهایت باز است. برای

رسیدن به تمدن اسلامی، استفاده از دانش پژوهش و درعین حال معنویت و اخلاق در دل این دانش لازم و ملزوم همدیگرند. معنویت و اخلاق باید جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی باشد (مقیمی، 1397: 12).

انقلاب اسلامی به دنبال شکوفایی دانش بشری در جهت پیشرفت در زمینه‌های مختلف فناوری، پزشکی، صنایع، دفاعی، مهندسی، مونتاژ و غیره است. عوامل تکنولوژی و نوآوری، زمانی می‌توانند موجبات تغییر را فراهم نمایند که بیشتر افراد جامعه در خلق تکنولوژی و پدیده‌های نوظهور، نقش داشته و آن را بپذیرند (مریجی، 1398: 84). علمی که در جمهوری اسلامی شروع شده یک آغاز است، آغازی در ابتدای مسیر و پیش برنده آن باید جوانان باشند تا بر قله عزت و سربلندی تمدن اسلامی قرار گیرند. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، انتظارات مقام معظم رهبری از جوانان در حوزه علم و پژوهش بیان و تکلیف برای سیاست‌گذاران روشن شد. نقشه جامعی که ضمن ایجاد پیشرفت‌های علمی و تجربیات کشور در حوزه علم و فناوری، کمک‌کننده به ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

4. عدالت و مبارزه با فساد

عدالت از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن سازی است که جایگاهی محوری در حکومت امام علی (علیه‌السلام) دارد و عدالت ورزی ایشان از شاخص‌های برجسته و الگو بخش سیره حکومتی ایشان است؛ به گونه‌ای که حکومت تقریباً پنج‌ساله حضرت علی (علیه‌السلام) نمونه‌ای ماندگار از شیوه زمامداری مبتنی بر عدالت محسوب می‌شود. اقتصاد پویا یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن است.

دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) به اقتصاد (و بلکه دنیا) سوداگرانه نیست تا فقط در پی سود مادی باشد، و راهبانه و تارکانه هم نیست تا به کلی آن را ناپسند شمارد؛ بلکه با رعایت حدود و معیارهایی، همیشه مردم را به کار و فعالیت در عرصه زندگی تشویق می‌کند. ایشان در تقسیم ساعات شبانه‌روز زندگی فردی یک فرد مؤمن در کنار عبادت و ارزش‌های اخلاقی، اقتصاد را نیز مطرح می‌فرماید (خسروپناه، 1380: 54). ایشان برای اقتصادی، نقشی هم‌تراز عبادت قائل شدند و اقتصاد را مجموعه اعمال تابع نظام ارزشی حاکم بر انسان دانستند (مدرس زاده، 1381: 33).

در میان مسائل موردنیاز جامعه، اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مهم‌ترین سازه‌های تمدنی، نظام اقتصادی است. اهمیت اقتصاد و نظام اقتصادی برای افراد جامعه به سبب درگیری روزمره و ملموس آن‌ها با مسائل و امور اقتصادی است. درحقیقت زندگی اجتماعی انسان‌ها بدون یک نظام اقتصادی شکوفا و رشد یافته و الگوهای رفتار اقتصادی صحیح و حسن، بسی دشوار است و همراه اقتصاد بیمار و فقدان نظام اقتصادی و نبود الگوهای رفتاری صحیح در این حوزه، زمینه را برای نابودی ارزش‌های اخلاقی و حاکمیت فساد و فحشا و جرم و جنایت و درنهایت اضمحلال یک تمدن مهیا می‌کند. اصولاً پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به کمال مطلوب برای یک تمدن، بدون مهیا بودن نظام اقتصادی مستحکم و الگوهای رفتار اقتصادی صحیح، غیرممکن به نظر می‌رسد (مشکانی سزواری و الویری، 1390: 166).

امامان شیعه (علیهم‌السلام) با روش‌های مبتنی بر وحی، تأثیر بزرگی در شکوفایی اقتصاد اسلامی داشته‌اند؛ زیرا مکتب اقتصادی اسلام بر اساس تعالیم آنان شکل گرفته است. در معماری اسلامی نیز، تأثیر ائمه (علیهم‌السلام) از راه منطبق نمودن امکانات شهری و معماری سرزمین‌های بازمانده از تمدن‌های دیگر، با مبانی اسلامی بوده است. در کلامی از حضرت علی (علیه‌السلام) که به پایه‌های تمدنی اشاره شده است. آن حضرت می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) لِلنَّاسِ كَافَّةً وَ جَعَلَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فَصَدَعَ بِمَا أَمَرَ بِهِ وَ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ فَلَمْ يَبِهِ الصَّدْعَ وَ رَفَّقَ بِهِ الْفَقْرَ وَ أَمَّنَ بِهِ السُّبُلَ وَ حَقَّنَ بِهِ الدِّمَاءَ وَ أَلْفَ بِهِ بَيْنَ ذَوِي الْإِحْنِ وَ الْعَدَاوَةِ وَ الْوَعْرِ فِي الصُّدُورِ وَ الضَّغَائِنِ الرَّاسِخَةِ فِي الْقُلُوبِ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: اما بعد؛ همانا خداوند محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) را برای هدایت همه مردم تعیین نمود و او را موجب رحمت مردم دو عالم قرار داد.

او مأموریت خویش را به بهترین نوع انجام داد و رسالت رب خویش را به انجام رسانید و (خداوند) به واسطه وجود اقدس او تمام کارها را منظم ساخت و شکاف‌ها را ترمیم کرد و راه‌ها را امن ساخت و خون‌های مردم را حفظ نمود و میان دشمنان و حسودان الفت برقرار کرد و کینه و حسادت و

دشمنی را از دل‌ها که در قلب‌ها تثبیت شده بود بیرون نمود؛ سپس خداوند متعال او را قبض نمود» (مفید، 1414، ج 1: 245). اگر حکومت اسلامی به این اصول پایبند باشد، تمدن نوین اسلامی شکل خواهد گرفت.

عدالت از نشانه‌های خردمندی است که در آیات و روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «من علامات العقل، العمل بسنة العدل»؛ (کار کردن به آیین عدل، از نشانه‌های عقل است) (حکیمی و همکاران، 1395، ج 6: 501). در آیه 25 سوره حدید چنین بیان شده است: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (ما [هم] راه پیغمبران را می‌رویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم می‌رویم). در کنار همه موانع، مشکلات و کمبودها، رویش‌های انقلاب اسلامی خیلی بیشتر از ریزش‌های آن بوده و باوجود دشمنان، همچنان افرادی وجود دارند که استوار در راه انقلاب قدم برمی‌دارند. باید توجه کرد افرادی در این کشور بوده‌اند که از اهداف، اصول و آرمان‌های انقلاب تخطی کرده‌اند. این فساد از دل این افراد بیرون می‌آید، اما امید به آینده همچنان زنده است و رسیدن به جایگاه علمی، اقتصادی و سیاسی با اتکا به معنویت و اخلاق بر مبنای دین و الگو بودن برای دولت‌های آزادی‌خواه و مستقل، هدف بزرگ انقلاب اسلامی است.

شکل‌گیری عدالت در تقسیم امکانات عمومی، حرکت بزرگ انقلاب اسلامی در جهت برابری و مبارزه با بی‌عدالتی در سال‌های بعد از انقلاب بوده است. در گام دوم، فراگیری عدالت و شکل‌گیری حکومت مبتنی بر علوی بودن نیازمند جهاد جوانان و نگاه آن‌ها بر عدالت و متعلق به خود بودن انقلاب اسلامی است که این تفکر اگر غالب باشد نگاه جوانان دلسوزانه، و جهاد و فعالیت آن‌ها روشنگرانه و هدفمند می‌شود. این هدفمندی از معنویت و اخلاق می‌باشد که به‌مانند بذری در جامعه پخش شده است. از آنجاکه جمهوری اسلامی، نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنای تر از مقبولیت اجتماعی است، در این رهنامه بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از نیاز دیگر نظام‌ها به این مقوله نگریسته می‌شود و اجرای سیاست‌های عدالت‌گرایانه از طریق جوانان مؤمن، انقلاب، دانا و کاردان امکان‌پذیر است (مقیم، 1397: 13). در میان توصیه‌های کلیدی رهبری در بیانیه گام دوم، عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند. چراکه ضمن ایجاد مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم، مبنایی‌تر برای مقبولیت اجتماعی بوده و درنهایت می‌تواند با تدوین قوانین عادلانه‌ای به‌عنوان معیاری عملی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

با توجه به آنچه در مورد شاخص‌های مورد نظر بحث گردید، بنابراین، ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب را باید متنی نزدیک به وصایای انبیا و روایات باقی‌مانده از اندیشه و عملکرد آنان دانست. درواقع، این بیانیه تقریباً مثل وصایای انبیا، نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر و وصیت الهی سیاسی امام (ره) دارای وزن زیادی است. یعنی این بیانیه در وزن کلام معصومین (علیهم‌السلام) و امام خمینی (ره) بوده و دارای شاخص‌های بسیاری می‌باشد که مدنظر معصومین علیه‌السلام و از عناصر شکل‌گیری تمدن اسلامی بوده است. در نتیجه، باید گفت که معصومین علیهم‌السلام و مؤلفه‌های گام دوم انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی نقش بارزی داشته‌اند و همچنان نیز در زمینه احیای آن می‌توانند اثرگذار باشند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در چارچوب بررسی نقش معصومین علیهم‌السلام در رسیدن به تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و نوآوری آن در این بود که تلاش شد تا ضمن بررسی نقش معصومین علیه‌السلام؛ با گام دوم انقلاب اسلامی و مهم‌ترین مؤلفه‌های بیان شده در آن که به‌نوعی با ویژگی‌های تمدن اسلامی همخوان می‌باشند، مورد تطبیق قرار داده شود و از این طریق بتوان نقشی که معصومین و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ایجاد تمدن اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارند، روشن نمود. در این راستا، چهار مؤلفه مهم استقلال سیاسی و توجه به مردم؛ معنویت و اخلاق؛ علم و آموزش؛ و عدالت و مبارزه با فساد از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان مسیرهای اصلی دستیابی به تمدن نوین اسلامی استخراج گردید و با نقشی که معصومین علیه‌السلام داشته‌اند، مورد تطبیق داده شد. نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی چالش‌برانگیز در مسیر تمدن‌سازی در برابر نظام مادی گرایانه غربی و به‌عنوان نظامی که برخاسته از انقلابی الهام‌بخش و اسلامی بوده است، دارای تجربیات موفقی می‌باشد که این تجربیات علاوه بر نشان دادن میزان توفیق نظام در نیل به تمدن نوین اسلامی، می‌تواند الگویی جهت آفرین را در اختیار سایر ملل آزادی‌خواه و مسلمان جهان قرار دهد. در همه ملاحظات، اسلام به‌عنوان یک رمز جهانی زندگی به جزء ضروری فرآیند جهانی‌شدن تبدیل شده است. اسلام تصریح می‌کند که وظیفه مسلمان این است که پیام‌های اسلام را به سایر مسلمانان و غیرمسلمانان نیز برسانند. این فرآیند اسلامی سازی و جهانی‌شدن

تبلیغ اسلام و فرهنگ غنی آن را در سراسر جهان تسهیل می‌کند. در این راستا، باید به اسناد و روایات به‌عنوان مهم‌ترین دستاویزها برای تحقق تمدن نوین اسلامی و رفع چالش‌های موجود تکیه نمود. در این راستا، نگاهی به پیامبر اسلام و معصومین علیه‌السلام که نقش آن‌ها در رشد عقلی مردم زمان خود و زمان‌های بعد به‌وضوح دیده می‌شود، می‌تواند به شکوفایی عقلی انسان‌ها و رشد آنان در طول زمان کمک نماید، و جامعه منحط و تاریک و گمراه را به یک جامعه‌ای اسلامی درخشان در تاریخ بشری تبدیل کند. مشخص گردید که هر یک از این مؤلفه‌ها، از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی بوده‌اند که مقام معظم رهبری بدان اشاره داشته‌اند. به‌نحوی که این مؤلفه‌ها می‌توانند به مسیر حکومت‌داری مطلوب و درنهایت ایجاد تمدن نوین اسلامی کمک نمایند. چنان‌که با مطالعه نقش و اقدامات معصومین علیه‌السلام نیز مشخص گردید، این مؤلفه‌ها به طرق مختلف توسط هر یک از معصومین پیگیری شده است. درواقع، تأکید هر دو، بر شکل‌گیری فرهنگ و تمدنی عصر پیامبر (ص) با توجه به جامعه بشری و تحول در جهان‌بینی الهی اسلام و شاخص‌های منبعث از آن است که می‌تواند تداوم‌بخش نهضت فرهنگ‌ساز باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سیره معصومین علیه‌السلام و مؤلفه‌های مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، همسویی معناداری وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان الگویی کارآمد برای تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مفاهیمی چون استقلال سیاسی، عدالت‌محوری، توجه به مردم، اخلاق و معنویت، و همچنین نقش‌آفرینی علم و آموزش در ساخت تمدن، عناصر مشترکی هستند که هم در سیره معصومان و هم در نقشه‌راه تمدنی انقلاب اسلامی به‌وضوح مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این تطبیق نشان می‌دهد که بیانیه گام دوم نه تنها ادامه‌دهنده مسیر اهل‌بیت علیه‌السلام در تحقق جامعه اسلامی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان سندی راهبردی برای تمدن‌سازی مورد توجه نسل‌های آینده قرار گیرد.

فهرست منابع

قرآن

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

ابراهیم‌زاده، حسن. نقش امام حسین (علیه‌السلام) در احیای تمدن اسلامی. خیمه، 5 (22)، 1384.

ابراهیمی کیایی، هادی؛ و بوذری نژاد، یحیی. نقش آیت‌الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی با تکیه بر گام دوم انقلاب. مجله بصیرت و تربیت اسلامی، 17 (56): 91-112، 1400.

ابن طاووس، سید رضی علی بن موسی بن جعفر. مهج الدعوات ومنهج العبادات. ترجمه محمد تقی طبسی، تهران: رایحه، 1393.

ابن‌منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: نشر دار صادر، 1414.

اکبری، مریم. چالش‌های فکری انقلاب اسلامی (با رویکرد تمدنی و ارائه راهکارهای عملی). تهران: انتشارات آهیخته، 1397.

اندیشه، هاشم. تأثیر امام حسن مجتبی بر تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی. دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی، تهران، 1397.

تاج‌بخش، احمد. تاریخ تمدن و فرهنگ ایران/از اسلام تا صفویه. جلد اول، شیراز: نوید شیراز، 1381.

توحیدی نیا، روح‌الله. کارآمدی سیره معصومان (علیه‌السلام) در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. پژوهش‌های سیاست اسلامی، 1 (6): 84-1396، 61.

جعفریان، رسول. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: انتشارات الفاریان، 1379.

- جلیلی، سعید. الزامات و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب. *حبل‌المتین*، 8 (26): 37-62، 1398.
- جمالی، مصطفی. جایگاه و نقش امام در تحقق امت - تمدن اسلامی (در پرتو آیه 47 سوره یونس). *مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی*، 3 (5): 90-110، 1402.
- جمشیدی راد، محمدصادق؛ ادیب بهروز، محسن. الزامات و بایسته‌های تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیره سیاسی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم). *سیاست متعالیه*، 7 (24): 101-118، 1398.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. *الصحاح فی اللغة والعلم*. دار الحضارة العربیه. جلد 6، بیروت: تحقیق احمد بن عبدالغفور العطار، 1410.
- حسینی مرعشی شوشتری، نورالله. *احقاق الحق وازهاق الباطل*. قم: مکتبه آیت الله مرعشی، 1409.
- حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، علی. *ترجمه الحیاء*. جلد ششم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دلیل ما، 1395.
- حکیمی، محمدرضا. *الحیاء*. ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.
- خسروپناه، عبدالحسین، *جامعه علوی در نهج‌البلاغه*. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، 1380.
- خطیب بغدادی، احمد، *تاریخ بغداد*. قاهره: مطبعه السعاده، 1349.
- دلپذیر، زهرا. روزنامه قدس. مشهد مقدس، 1396، کد خبری 589133.
- دورانت، ویلیام جیمز. *تاریخ تمدن*. مترجم احمد آرام. جلد اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1367.
- زرین کوب، عبدالحسین. *کارنامه اسلام*. تهران: انتشارات امیر، 1376.
- سعیدی نژاد، اکبر. سیاست در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، 1397.
- سیپانپین، زینب. نقش امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در گسترش علوم. *دوفصلنامه تخصصی تاریخ‌نامه اسلام*، 2 (8): 29-48، 1398.
- صالحی وثیق، محمدرضا؛ اکبرپور آلمه جوقی، علی؛ مکرمی پور، محمدباقر. نقش مؤلفه‌های راهبردی گام دوم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو. *دولت پژوهی/ایران معاصر*، 8 (2): 59-83، 1401.
- طباطبایی، سید محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417.
- علی زاده سالتطه، عزیز. قرآن و نقش پیامبران در شکوفایی عقل. *صحیفه مبین*، 43 (8): 100-1024، 1387.
- کرمی، علی. نقش امام موسی کاظم (علیه‌السلام) در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی. همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی، 1392.
- مجلسی، محمدباقر. *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار*. بیروت: دارالحیاء التراث العربی، 1403ق.
- مدرس زاده، مجدالدین. نگاهی به برنامه‌های اقتصادی حضرت علی (علیه‌السلام). *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، 5 (8)، 1381.
- مرتضوی، سیدمحمد. *نهضت کلامی در عصر امام رضا (علیه‌السلام)*. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1375.

- میریجی، شمس الله. مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب. *فصلنامه علوم سیاسی*، 22 (87): 79-96، 1398.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی؛ و الویری، محسن. درآمدی بر ظرفیت‌های تمدن سازی فقه، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، 2 (3)، 1390، 145-184.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. *الارشاد*. جلد اول، بیروت: دارالمفید، 1414.
- مقیم، سید محمد. سخن سردبیر بیانیه گام دوم انقلاب: رهنامه پیشرفت ایرانی-اسلامی. *مدیریت اسلامی*، 26 (3): 5-14، 1397.
- موسوی هندی، میرحامد حسین، *عبارات الانوار فی امامه الائمه الاطهار، سیدالشهدا، قم، 1404 ق.*
- میرحسینی، سیدعلی نقی. *سیره امام سجاد (علیه السلام)*. فرهنگ کوثر، 2 (57)، 1382.
- نعمان (مفید)، محمد بن محمد. *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. ج 2، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، 1346.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد یازدهم، تهران: انتشارات آل البيت (ع)، 1369.
- هانتینگتون، ساموئل. *تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*. ترجمه مینو سرتیپ احمدی، تهران: کتابسرا، 1380.
- Abdiilah, M. *Islam Agama Kedamaian (Merawat Kemajemukan dan Kerukunan di Indonesia)*. Jakarta: Penerbit Buku Kompas, 2021.
- Abdiilah, M. *Sharia and politics in the context of globalization and Society 5.0*. *Jurnal Ahkam*, 22 (2): 263-286, 2022.
- Al- Faruqi, I.R. *Al Tawhid; Its Implications for Thought and Life*, (Virginia, USA: International Institute of Islamic Thought, 1992.
- Al-Qaradawi, Y. *Al-Sunna masdaran li al-ma'rifa wa al-hadara*, Dar al-Shuruq, Cairo, 1997.
- Ashimi, T.A. *ISLAMIC CIVILIZATION: FACTORS BEHIND ITS GLORY AND DECLINE*. *International Journal of Business, Economics and Law*, 9 (5): 180-184, 2016.
- Cook, M. *The centrality of Islamic civilization: from Part IV - Expanding religious systems*. Cambridge University Press, 2015.
- Halilović, S. *ISLAMIC CIVILIZATION IN SPAIN – A MAGNIFICENT EXAMPLE OF INTERACTION AND UNITY OF RELIGION AND SCIENCE*. *Psychiatria Danubina*, 29 (1): 64-72, 2017.
- Hasan, K. *Voice of Islamic Moderation from the Malay World*. *Emerging Markets Innovative Research (M) Sdn Bhd*, 2011.
- Madjid, N. *Islam Doktrin dan Peradaban*. Jakarta: Paramadina, 2000.
- Pulungan, M. S. *Islamic civilization and globalization in the modern era*. *Islamic Perspective on Communication and Psychology*, 1 (1): 36-43, 2024.

Razak, M.A.A., & Haneef, S.S.S. Globalization and the New Realities in the Muslim World. Journal of Contemporary Development & Management Studies, 2021.